

الفبای دوم

نگارش زبان فارسی به خط لاتین بر پایه
شیوه نامه آوانگاری کلی نامهای
جغرافیایی ایران

بهار ۱۳۹۲

فهرست

پیش‌گفتار

خط لاتین امروزه در جهان نقش یک خط دوم را بازی می‌کند. برای اثبات این ادعا کافی است، به تابلوهای شهرها و خیابان‌ها و یا نشانی‌های اینترنتی در همه‌ی کشورهای نگاه کنیم. از سوی دیگر تجربه نشان داده، که تلاش برای آموزش خواندن و نوشتن به میلیون‌ها تن از کودکان و نوجوانان ایرانی تبار در خارج از کشور به دلیل عدم تماس روزمره با خط فارسی اغلب ناکارآمد از آب در می‌آید. به نظر می‌رسد که چاره‌ای برای برون‌رفت از این دشواری پیدا شده باشد، و آن به‌کارگیری خط لاتین در کنار خط فارسی است.

تا چندی پیش استاندارد رسمی برای آوانگاری فارسی به خط لاتین نبود. خوشبختانه به‌تازگی استاندارد با عنوان **شیوه‌نامه آوانگاری کلی نام‌های جغرافیایی ایران** به همه‌ی وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی برای اجرا ابلاغ شده¹. در این شیوه‌نامه کوشیده شده، تا کاربرد این استاندارد از نگارش نام‌های جغرافیایی فراتر رود، به گونه‌ای که بتوان هر متن فارسی را بر پایه‌ی این استاندارد نوشت. بر پایه‌ی این شیوه‌نامه ابزارهایی زیرساختی برای غلطیابی، برگرداندن متن‌ها از خط فارسی به لاتین، ترجمه‌ی واژه‌ها و نیز آموزش زبان در دست توسعه هستند. علاقه‌مندان می‌توانند نسخه‌های کنونی این ابزارها را به‌رایگان از alefbaye2om.org دریافت کنند.

آواها و نویسه‌ها

الفبا

(1) الفبای دوم ۳۱ نویسه دارد، که ۳۰ نویسه از آنها یک شکل کوچک و یک شکل بزرگ دارند:

a	b	c	d	e	f	g	h	i	j	k	l	m	n	o
A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K	L	M	N	O
p	q	r	s	t	u	v	w	x	y	z	ā	č ²	š	ž
P	Q	R	S	T	U	V	W	X	Y	Z	Ā	Č	Š	Ž
,														

(2) هرگاه کاربرد یک زبر یا آپستروف به دلیل محدودیت‌های عملی امکان‌پذیر نباشد³، آن زبر یا آپستروف می‌افتد:

sedā, seda; hamšahri, hamsahri; možde, mozde; mas'ul; masul

(3) نویسه‌های زبردار در ترتیب الفبا با نویسه‌های پایه‌شان می‌آیند. آپستروف در ترتیب الفبا جای نمی‌گیرد:

A (Ā), B, C (Č), D, E, F, G, H, I, J, K, L, M, N, O, P, Q, R, S (Š), T, U, V, W, X, Y, Z (Ž)

(4) هریک از نویسه‌ها یک نام دارد:

a (ā), be, ce, de, e, ef, ge, he, i, je, ke, el, em, en, o, pe, qe, er, es (še), te, u, ve, dove, xe, ye, ze (že)

(5) برای نگارش واژه‌های بیگانه یا اسم‌های خاص نویسه‌های لاتین‌بنیاد دیگر نیز می‌توانند رخ بدهند:

André, Miró

واکه‌ها

(6) الفبای دوم ۶ واکه و یک واکه‌ی مرکب دارد:

آوا نمونه نویسه

[æ] a abr, abzār, sag, dast

فهرست.....	2
پیش‌گفتار.....	2
آواها و نویسه‌ها.....	2
الفبا.....	2
واکه‌ها.....	2
همخوان‌ها.....	3
تشدید.....	3
آپستروف.....	3
حذف، افزایش و جایگزینی آواها.....	3
واج‌گونه‌ها.....	3
نوشتار آزاد برخی از اسم‌های خاص.....	3
بردن پاره‌ای از واژه به سطر دیگر.....	3
فاصله‌گذاری.....	3
جدانویسی.....	3
پیوسته‌نویسی.....	4
خط تیره.....	4
عددها.....	4
بزرگ‌نویسی.....	4
واژه‌های بیگانه.....	4
خط لاتین.....	4
خط‌های دیگر.....	5
اختصار.....	5
شیوه‌های کلی.....	5
واژه‌های اختصاری پرکاربرد.....	5
نشان‌گذاری.....	5
نقطه (.).....	5
علامت سؤال (?).....	5
علامت تعجب (!).....	5
ویرگول (,).....	5
نقطه‌ویرگول (;).....	5
دونقطه (:):.....	6
علامت گفتاورد (™).....	6
خط تیره (-).....	6
خط تیره‌ی دراز (—).....	6
سه‌نقطه (...):.....	6
پرانتز ().....	6
قلاب [].....	6
خط مورب (/).....	6
پانویس‌ها.....	7

xat, dastxat, xatti, xattāt

آپستروف

(11) آپستروف در آغازِ واژه نمی‌آید:

ābād, andišidan, onoq, azemat

(12) میانِ دو واکه کمابیش هیچگاه نمی‌آید و واکه‌ها یکی پس از دیگری تلفظ می‌شوند. تنها هنگامی می‌آید، که تشدید داشته باشد:

Aliābād, nowāmuz, sāat, moallem, miād, fa'al

(13) نمایشِ آپستروف در جایگاه‌های دیگر از تلفظ پیروی می‌کند⁵:

Firuzābād, badandiš, por'azemat, bad'onoq, jāme', jāmee, ketāb-e jāme-e ravānšenāsi, badi', badii

حذف، افزایش و جایگزینی آواها

(14) هرگاه در یک واژه آوایی حذف یا جایگزین شود و یا به یک واژه آوایی افزوده شود، این دگرگونی بی‌واسطه در نوشتار بازتاب دارد⁶:

natavān, natvān; mehrbān, mehrabān, pišrow, pišravi

واج‌گونه‌ها

(15) برخی از واژه‌های فارسی دارای واج‌گونه هستند، به این معنی که به گونه‌های مختلفی تلفظ می‌شوند. نوشتارِ واج‌گونه‌ها از تلفظ پیروی می‌کند:

cešm, cašm; ju, juy; be, bed; jelow, jolow, jelo, jolo

(16) برخی از واج‌گونه‌ها تنها در زبانِ گفتاری رخ می‌دهند. نوشتارِ آنها نیز از تلفظ پیروی می‌کند:

bārān, bārūn; digar, dige; jāru-yam, jāru-m

نوشتارِ آزادِ برخی از اسم‌های خاص

(17) نوشتارِ برخی از اسم‌های خاص، به‌ویژه نامِ شخص، شرکت، برند و فرارده الزاماً از این شیوه‌نامه پیروی نمی‌کند⁷:

Arash, Āraš; Saipa, Sāypā

بردنِ پاره‌ای از واژه به سطرِ دیگر

(18) بردنِ پاره‌ای از واژه به سطرِ دیگر با خطِ تیره امکان‌پذیر است، اگر اجزای یک هجا در یک واژه از هم جدا نشوند:

xā-ne; le-bāshā; lebās-hā, be dalil-e, be da-lil-e

فاصله‌گذاری⁸

جدانویسی

(19) فعل‌ها و مصدرهای ساده در همه‌گونه فعل‌ها و مصدرهای مرکب جدا نوشته می‌شوند⁹:

yād gereftan, yād nagereftan, yād migiram, yād nemigiram; dar raftan, dar naraftan, dar miravam, dar nemiravam

(20) اسم‌های خاص برآمده از پیوندِ اضافی و عطفی جدا نوشته می‌شوند، حتی اگر یک تکیه داشته باشند¹⁰:

Meydān-e Naqš-e Jahān, Xāvar-e Dur, Kašk-o Bādemjān

[o:]	ā	āb, āftāb, bahār, rahā
[e]	e	emruz, esfand, sedā, sāde
[i:]	i	in, injā, bim, tehrāni
[o]	o	ostād, ordu, boz, do
[ow]	ow ⁴	owbāš, jelow, pišrow, mowz
[u:]	u	bu, dust, jāru, xubi

(7) واکه‌های "e, a" و "o" کوتاه و واکه‌های "ā, ī, u" و "ow" بلند هستند.

همخوان‌ها

(8) الفبای دوم ۲۲ همخوان دارد:

آوا	نویسه	نمونه
[b]	b	baste, bāz, abr, tab
[tʃ]	c	cerā, cand, āluce, gac
[d]	d	dar, derāz, pedar, sard
[f]	f	fanar, fer, sefid, kaf
[g]	g	gāv, gaz, tagarg, sag
[h]	h	hasti, hamin, rahā, rāh
[dʒ]	j	jib, jāru, bāje, kaj
[k]	k	kam, kenār, bikār, fandak
[l]	l	leng, lagad, mālidan, kacal
[m]	m	mu, mār, hamin, setam
[n]	n	nāz, narm, benām, tan
[p]	p	pās, pas, topol, gap
[ɣ]	q	qam, qalam, raqam, duq
[r]	r	rāst, raftan, sarā, tar
[s]	s	sib, sābun, tasbit, kas
[ʃ]	š	šab, šib, nešastan, farš
[t]	t	tāb, tāze, otu, taxt
[v]	v	vālā, vazeš, navid, gāv
[x]	x	xāb, xam, boxāri, paxme
[j]	y	yek, yār, māye, ney
[z]	z	zard, zohr, gozašt, rezāyat
[ʒ]	ž	žarf, žāle, vāže, kaž
[ʔ]	'	ba'd, e'temād, mas'ul, sari

تشدید

(9) تشدید با دوبارنویسی یک همخوان نشان داده می‌شود: mokarrar, tamannā, moaddel, ezzat

(10) همخوانِ پایانی معمولاً تشدید ندارد. نمایشِ تشدید از تلفظ پیروی می‌کند:

(30) اجزای عددهای کوچکتر از هزار تنها با حرف ربط "o" از یکدیگر جدا می‌شوند:
haft (7), davāzdah (12), panjāh-o hašt (58), nohsad-o haftād-o panj (975)

(31) هزار، میلیون، میلیارد، ... جدا نوشته می‌شود:
Se milyun-o haštsad-o panjāh hezār-o pānsad-o ceheh (3,850,540)

(32) در عددهای ترتیبی تنها جزء پایانی پسوند می‌گیرد:
haftom (7^{om}), davāzdahom (12^{om}), panjāh-o haštom (58^{om}), nohsad-o haftād-o panjom (975^{om}), do hezārom (2,000^{om}), bist-o panj hezārom (25,000^{om})

(33) بخش کسری و اعشاری پیوسته نوشته می‌شود:
sepanjom (3/5), bistosepanjom (23/5), bist-o sepanjom (20 3/5), dohezārom (2/1,000), bistopanjhezārom (0.025), bist-o dosadom (20.02), bistodosadom (0.22)

(34) عددها در ترکیب با واژه‌های دیگر پیوسته نوشته می‌شوند:
panjruze, bistopanjsāle, haftādopanjtāyi, sadhezārnafare, yāzdahdarsadi

(35) عددهای تخمینی با خط تیره نوشته می‌شوند:
se-cāhār nafar, do-se dāne, haftād-haštād tā, ceheh-panjāh darsad

(36) عددها، به رقم، با پسوند پیوسته ولی در ترکیب با خط تیره نوشته می‌شوند:
27om, 27i, 5-ruze, 25-sāle, 75-tāyi, 100,000-nafare, 11-darsadi

(37) حذف در عددها، به رقم، بی‌واسطه انجام می‌گیرد:
sāl-e 1393, sāl-e 93

بزرگ‌نویسی

(38) آغاز جمله با نویسه‌ی بزرگ نوشته می‌شود:
Man raftam. U goft: "Man raftam." Xarid-e xub-i bud: Yek pirāhan-o yek šalvār xaridam.

(39) آغاز تیترو سرخط با نویسه‌ی بزرگ نوشته می‌شود.
بزرگ‌نویسی نویسه‌های آغازین واژه‌های دیگر تیترو سرخط امکان‌پذیر است:

Havādes-e emruz, Havādes-e Emruz

(40) آغاز عنوان، پیش یا پس از اسم خاص¹⁶، با نویسه‌ی بزرگ نوشته می‌شود:

Ali Āqā, Āqā-ye Bahrāmi, Maryam Xānom, Xānom-e Panāhi, Šāh Abbās, Rezā Šāh, Karim Xān, Xāje Nasir

(41) آغاز هر واژه‌ی اصلی یک گروه، که به عنوان اسم خاص به کار می‌رود، با نویسه‌ی بزرگ نوشته می‌شود:

Sārā Panāhi, Tehrān, Sepidrūd, Šāhnāme, Sāzmān-e Melal-e Mottahed, Jang-e Jahāni-ye Dovvom, Zereškolow bā Morq

(42) اسم‌های خاص در واژه‌های مشتق و مرکب با نویسه‌های کوچک نوشته می‌شوند:

Xodā, Xodāyān, bāxodā, xodāyi, xodāšenās

(21) اگر در بازشناسی یک ترکیب تردید باشد و یا ترکیب احتمالی و نپذیر نباشد¹¹، جدانویسی امکان‌پذیر است. در این صورت جزءای که خود مرکب است، پیوسته نوشته می‌شود:
piš az, pišaz; banā bar, banābar; banā bar in, banābarin; va gar na, vagarna; na tanhā, natanhā; dar vāqe', darvāqe'; be sor'at, besor'at; conān ke, conānke; hamin ke, haminke

پیوسته‌نویسی

(22) پیشوندها و پسوندها (چه تصریفی و چه اشتقاقی) جزو ساختار یک واژه هستند و پیوسته نوشته می‌شوند:
guyand, miguyand, nemiguyand, daftarhā, āqāyān, bozorgtar, bālātarin, bozorgi, dāneš, dānešmand, bimārestān, hamkār, benām, bāadab, bikār

(23) پیوسته‌نویسی شیوه‌ی پیش‌فرض برای نگارش واژه‌های مرکب است. ترکیب‌هایی که به آنها در این شیوه‌نامه جداگانه پرداخته نشده، پیوسته نوشته می‌شوند¹²:

ketābxāne, toxmemorq, goftogu, pākkon, barfpākkon, yāddāšt, qulpeykar, qadboland, sarxorde, azxodgozašte, conin, conān, yekdigar, xištan, ānce, injā

خط تیره¹³

(24) هرگاه واژه‌ای در پی دگرگونی آوایی یا به‌کارگیری یک واج‌گونه کاربرد مستقل نداشته باشد، با خط تیره با واژه‌ای نوشته می‌شود، که با آن یکجا خوانده می‌شود:
ke az, k-az; va in, v-in; be u, bed-u; man rā, ma-rā; ketāb rā, ketāb ro, ketāb-o

(25) واژه‌های بی‌تکیه‌ای که به واژه‌های پیش از خود وابستگی آوایی دارند (واژه‌بست‌ها) با خط تیره با واژه‌های پیش از خود نوشته می‌شوند¹⁴. در اینجا فرقی نمی‌کند، که این واژه‌ها یک واژه‌ی مرکب بسازند یا نه. جایگاه آوایی افزوده (میانجی) پس از خط تیره است:

doxtar-emān, man-o to, pesar-i, daftar-at; bidār-im, šāh-ā, ci-st, pedar-ešān-and, ketāb-e xub-i-st, xāne-ye man, amme-vo xāle, sedā-yi, jāru-yat, xeyl-i, xeyl-i ādamhā, xeyl-ihā

(26) در ترکیب‌های نام‌آنوس، مصلحتی یا طولانی، یک یا بیش از یک خط تیره می‌آید. در اینجا خط تیره باید به گونه‌ای گذاشته شود، که ترکیب‌های کوچک‌تر رایج باشند و معنی واژه آسیب نبیند:

raveš-e sang-dar-miyān, kam-dardesarsāz, tāze-be-dowrān-reside

(27) میان واژه‌های یک عبارت، که بر حسب نیاز مانند یک واژه به کار می‌رود، خط تیره می‌آید:

hamin man-bemiram-nāz-nakonhā

(28) اگر یک نویسه یا واژه‌ی اختصاری بر حسب نیاز در صورت اشتقاق یا ترکیب به کار رود، با خط تیره می‌آید:

n-om, g-hā, bz.-i, p-dār

(29) میان واژه‌های مرکب از دو واژه‌ی هم‌تا یا واژه‌های تکراری و شبه‌تکراری یک ترکیب می‌توان خط تیره گذاشت:

irāni-ālmāni, rafte-rafte, jurāb-murāb

واژه‌های بیگانه

ŽĀN, žān.; FEV, fev.; MĀR, mār.; ĀVR, āvr.; ME, me; ŽUA, žua.; ŽUI, žui.; UT, ut; SEP, sep.; OKT, okt.; NOV, nov.; DES, des.

(55) برای روزهای هفته واژه‌های اختصاری زیر به کار می‌روند:
ŠA, ša.; YŠ, yš.; DŠ, dš.; SŠ, sš.; CŠ, cš.; PŠ, pš.; JO, jo. yā ĀD, ād.

(56) برای بیان ساعت واژه‌های اختصاری زیر به کار می‌روند:
bd. (bāmdād), 09:15 bd.; bz. (ba'dazzohr), 02:00 bz.

نشان‌گذاری

نقطه (.)

(57) در پایان جمله‌های خبری یا پرسشی غیرمستقیم می‌آید:
Man raftam. Az man porsid, cerā xošhāl-am.

(58) در نگارش عددها، به رقم، بخش اعشاری با نقطه جدا می‌شود:

2.735, 25.05

علامت سؤال (?)

(59) در پایان جمله‌های پرسشی می‌آید:
Kojā raft? Cegune? Na?

علامت تعجب (!)

(60) در پایان جمله‌ای می‌آید، که برای بیان شگفتی، ندا، فرمان یا درخواست به کار می‌رود:

Ce qašang! Komak! Āfarin! Dar rā beband!

ویرگول (,)

(61) کاربرد اصلی ویرگول نشان دادن یک درنگ کوتاه در جمله است. این درنگ می‌تواند به‌ویژه

- میان جمله‌ی پایه و جمله‌ی پیرو بیاید:

Vaqt-i resid, Mahin hanuz ānjā bud.

- حرف ربط "va" یا "yā" را جایگزین کند:

Sobhā boland mišavi, sobhāne-at rā mixori va be dānešgāh miravi. Rāmin, Narges yā Šivā ham mitavānad komak-at konad.

- در پیش و پس واژه یا عبارت کوتاه توضیحی بیاید:

Rāmin, dust-am, xeyli lāqar-ast.

- پس از منادا بیاید:

Ey ostād-e bozorgvār, az šomā mamnun-am.

- هنگام بیان تاریخ پس از روز هفته بیاید:

šanbe, 31om-e farvardin-e 1393; ša., 31-e far.-e 93

(62) برای عددهایی که دستکم چهار رقم دارند، پس از هر سه رقم به سمت چپ یک ویرگول می‌آید:

2,000; 2,025.05; 2,000,000

نقطه‌ویرگول (;)

(63) جمله‌ها یا عبارت‌ها را شدیدتر از ویرگول ولی ملایم‌تر از نقطه جدا می‌کند:

خط لاتین

(43) وامواژه‌ها بر پایه تلفظ فارسی خود نوشته می‌شوند:
pitzā, tāksi, rādiyo, oktobr, sigār

(44) نام شخص، شرکت، برند و فرآورده ۱-۱ نوشته می‌شود:
Wiliam Jones, BMW, New York Times, iPod, Windows

(45) اگر واژه‌های دیگر به هر دلیلی بر پایه تلفظ فارسی خود نوشته نشوند، کج نوشته می‌شوند:

Niyoyork, New York; Landan, London

خطهای دیگر

(46) همه‌ی واژه‌ها بر پایه تلفظ فارسی خود نوشته می‌شوند:
moallem, cāy, Žāpon

(47) اگر واژه‌ی بیگانه وامواژه، نام شخص، شرکت، برند یا فرآورده نباشد، کج نوشته می‌شود:

ader ka'san va nāvelhā, yo'refa mo'meno bessimā

(48) عنصرهای عربی "abu" و "al" همواره با واژه‌ی بعدی پیوسته نوشته می‌شوند. عنصر "al" هنگام ادغام هجایی با واژه‌ی پیشین با آن واژه نیز پیوسته نوشته می‌شود. عنصر "ebn" هنگام ادغام هجایی با واژه‌ی پیشین پیوسته با آن واژه و در پیوند اضافی جدا از واژه‌ی بعدی نوشته می‌شود:
Abolqāsem, Abuali Sinā, Al'erāqi, Nasireddin, Ziyāolhaq, sariosseyr, Hoseynebn-e Ali, Isabn-e Ja'far, Ebn-e Batute

اختصار

شیوه‌های کلی

(49) اگر در اختصار یک واژه تنها نویسه‌های بزرگ به کار روند، نقطه نمی‌آید. در غیر این صورت اختصار با نقطه پایان می‌گیرد:

Tehrān; TEH, Teh.

(50) برای اختصار یک گروه یا واژه‌ی مرکب بهتر است، که همه‌ی عنصرهای اصلی نقش داشته باشند. مرکب‌های پیوسته‌نویس یک واژه به شمار می‌آیند. در غیر این صورت هر واژه اختصار می‌یابد ولی پیوسته نوشته می‌شود:

cāhārrāh, cr.; hejri-ye šamsi, h.š.

(51) واژه‌های اختصاری نقطه‌دار در بزرگ‌نویسی از واژه‌های کامل‌شان پیروی می‌کنند:

Dušize Panāhi, Du. Panāhi; Tehrān, Teh.; cāhārrāh, cr.

واژه‌های اختصاری پرکاربرد

(52) برای سالنامه واژه‌های اختصاری زیر به کار می‌روند:
x. (xoršidi); h.x. (hejri-ye xoršidi); h.š. (hejri-ye šamsi); h.q. (hejri-ye qamari); m. (milādi, pas az milād); p.m. (piš az milād)

(53) برای ماه‌های ایرانی واژه‌های اختصاری زیر به کار می‌روند:
FAR, far.; ORD, ord.; XOR, xor.; TIR, tir; MOR, mor.; ŠAH, šah.; MEH, meh.; ĀBĀ, ābā.; ĀZA, āza.; DEY, dey; BAH, bah.; ESF, esf.

(54) برای ماه‌های میلادی واژه‌های اختصاری زیر به کار می‌روند:

Hame tamām-e ruz dar entezār budand – yekdaf'e āmad.

(79) در پیش و پس یک توضیح طولانی در میان جمله می‌آید:

Emruz sobh – hanuz dāštam bā mādar-am sobhāne mixordam – be man telefon kard.

(80) برای جایگزینی گوینده در یک گفتگو می‌آید:

– Be pedar gofti? – Bale.

(81) پیش از نام سخنور یا مرجع یک نقل قول می‌آید:

“Doruq bozorgtarin gonāh be šomār miraft.” – Herodot

سه نقطه (...)

(82) برای حذف بخشی از متن می‌آید، که یا مهم نیست و یا خواننده می‌تواند آن را حدس بزند. اگر حذف در پایان جمله رخ بدهد، جمله دیگر نقطه نمی‌گیرد:

Pišnahād-e Nasrin-o ... pazirofte šod. Bāzi-ye xub-i bud ... Fardā cekār mikoni?

پرانتز ()

(83) برای یک گزینه یا توضیح مکمل به کار می‌رود و می‌تواند یک جمله کامل را با نقطه در بر بگیرد:

ru(y) ≈ ru yā ruy; In ketāb rā (moteassefāne) hanuz naxānde bud. Diruz be bāzār raftim. (Parvin ham āmade bud.)

قلاب []

(84) برای یک گزینه‌ی جایگزین به کار می‌رود:

ce[a]šm ≈ cešm yā cašm

خط مورب (/)

(85) برای دو گزینه‌ی مستقل به کار می‌رود. اگر یکی از گزینه‌ها دارای فاصله باشد، در دو طرف آن فاصله می‌آید:

Vorudi-ye estaxr barā-ye kudakān/bozorgsālān 8,000/12,000 Tumān-ast. Dar bāre-ye safar be Āfriqā-ye Jonubi / Keniyā hanuz tasmim nagereftim.

Mardom kār rā dust dārand; be dun-e ān fekr mikonand, ke zende nistand.

(64) برای برشمردن جفت‌ها یا دسته‌های متفاوت یک گروه به کار می‌رود:

Dar in dānešgāh mitavān reštēhā-ye pezeški-yo dandānpezeški; hoquq, eqtesād va jāmeešenāsi xānd.

دونقطه (:)

(65) پیش از نقل قول مستقیم می‌آید:

Āmuzgār porsid: “Ke pāsox rā midānad?”

(66) برای نشان دادن ادامه‌ی جمله با یک برشماری می‌آید:

Mā be cand ciz niyāz dārim: sālon, musiqi, qazā va nušidani.

(67) برای معنی کردن یک واژه می‌آید:

Tašxis: bāzšenāsi.

(68) پیش از جمله‌ای از یک گفتگو می‌آید:

Navid: Cerā narafti? Narges: Vaqt nadāštam.

(69) برای بیان دلیل یا حکمت یک کار و نیز اعلان می‌آید:

Šab rā ānjā gozarāndam: Māšin-am xarāb šode bud va ta'mirgāh baste bud.

(70) میان ساعت و دقیقه در بیان زمان می‌آید:

07:45 bd.; 18:30

علامتِ گفتاورد (")

(71) برای نقل قول مستقیم می‌آید:

“Doruq bozorgtarin gonāh be šomār miraft.” Āmuzgār porsid: “Ke pāsox rā midānad?”

(72) برای برجسته کردن یک واژه یا عبارت می‌آید. این برجستگی می‌تواند برای تمایز، ابزار فاصله‌گیری نظری یا نشان دادن نخستین کاربرد یک اصطلاح نو باشد:

bā “va” yā “yā”; Mahnāz fekr mikonad, ke to “afsorde” šodi. Morād-e mā yek onsor-e tarkibi-st, ke be ān “suratsāz” miguyand. Suratsāzhā bar do gun-e-and ...

خط تیره (-)

(73) به جای “tā” یا “az ... tā” میان آغاز و پایان یک محدوده می‌آید:

Negāh konid be s. 21-38. Dehxodā (1257-1334); Sāāt-e kār: ša.-cš., 09:00-18:00; Qatār-e Tehrān-Tabriz

(74) به جای “be” یا “bar” میان دو عدد می‌آید:

Esm-e šaxs 1-1 nevešte mišavad. Irān 2-1 Koveyt rā šekast dād.

(75) از تکرار جلوگیری می‌کند:

jodā- va sarhamnevisi

(76) ماه را از روز و سال در بیان تاریخ جدا می‌کند:

(77)

31-01-1993, 31-01-93

خط تیره‌ی دراز (-)

(78) پیش از یک درنگ می‌آید:

پانویس‌ها

- ¹ نگاه کنید به [اسنا، ابلاغ شیوه‌نامه آوانگاری کلی نام‌های جغرافیایی ایران، ۲۱ اسفند ۱۳۹۱](#).
- ² این نویسه تنها به دلیل هماهنگی با شیوه‌نامه آوانگاری کلی نام‌های جغرافیایی ایران آمده. همان آوای "c" را نمایندگی می‌کند. تنها در نگارش نام‌های جغرافیایی به کار می‌رود.
- ³ برای نمونه در نام یک تارنما و یا در یک رایانشانی.
- ⁴ نویسه "w" تنها پس از "o" می‌آید. واژه مرکب "ow" همیشه در یک هجا می‌نشیند.
- ⁵ در واژه‌هایی که ریشه‌ی فارسی دارند، آپستروف به کار نمی‌رود. همخوان پایانی هجای قبلی به جای همخوان آغازین هجای بعدی می‌نشیند (مانند *nar.maf.zār > narm+af.zār*). ولی در وامواژه‌های عربی این جایجایی اغلب رخ نمی‌دهد (مانند *bad+onoq > bad'onoq*). از سوی دیگر در واژه‌های عربی آپستروف پایانی یک هجا می‌افتد، اگر هجای بعدی با آپستروف آغاز شود (مانند *šam'ī > šam.ī, ba.dī'+ī > ba.di.i*).
- ⁶ در برخی از زبان‌های دیگر حذف و ادغام با آپستروف نشان داده می‌شود، که در اینجا یک نویسه است. نشانه‌ی جداگانه برای حذف کمکی به درست‌خوانی نمی‌کند. حذف در فارسی کمابیش همیشه در موردهایی مشخص و محدود رخ می‌دهد، به گونه‌ای که خواننده انتظار آنها را دارد. در زبان گفتاری این موردها آنچنان تکراری هستند، که یک نشانه‌ی ویژه برای حذف هم نویسنده را کلافه می‌کند و هم به خوانایی متن آسیب می‌رساند. (اسپانیایی‌ها که خطی فونتیک دارند، برای حذف و ادغام نشانه‌ای به کار نمی‌برند.)
- ⁷ در شیوه‌نامه آوانگاری کلی نام‌های جغرافیایی ایران، آپستروف بسته به نویسه‌ی همتایش در خط فارسی گاهی میان دو واژه رخ می‌دهد (*Nāru'ī*) و گاهی نه (*šam'ī*).
- ⁸ به طور کلی هدف از فاصله تعیین کردن مرز واژه‌هاست. واژه‌های پی‌درپی گاهی یک واژه‌ی مرکب می‌سازند، که در این صورت می‌بایست آنها را پیوسته نوشت، چون یک واژه‌اند. ولی تشخیص واژه‌ی مرکب همیشه ساده نیست.
- ⁹ جزء غیرفعلی جداگانه بررسی می‌شود. صاحب‌نظران بر سر مرکب بودن بسیاری از فعل هم‌عقیده نیستند. با این شیوه نیازی به بازشناسی فعل‌های مرکب نیست.
- ¹⁰ بزرگ‌نویسی اجزای این اسم‌ها از ابهام جلوگیری می‌کند. برای نمونه اگر منظور "*kašk va bādemjān*" باشد، آن را "*kašk-o bādemjān*" می‌نویسیم.
- ¹¹ بازشناسی یک واژه‌ی مرکب اغلب دشوار نیست و به طور غریزی انجام می‌گیرد: A) *U kam howsele be xarj midehad*. B) *U yek ādam-e kamhowsele-ast*. واژه‌های مرکب یک تکیه دارند: *kam+howsele > kamhowsele*. واژه‌های مرکب ویژگی‌های دستوری یک واژه‌ی ساده را دارند. در "*howsele*" (A) اسم است و نمود تفضیلی ندارد. ولی در "*kamhowsele*" (B) صفت است: *kamhowsele+tar > kamhowseletar* ولی اندک موردهایی هستند، که در آنها بازشناسی واژه‌ی مرکب دشوار است. یکی از دلایل‌های این دشواری این است، که حروف تک‌هجایی اضافه و ربط تکیه ندارند. هنگامی که این واژه‌ها با یک واژه‌ی دیگر ترکیب شوند، نمی‌توان تکیه را ملاک قرار داد. مورد دیگر این است، که گاهی در شنیدن یک یا بیش از یک تکیه ابهام وجود دارد. اگر واژه‌ی مرکب احتمالی وندهای تصریفی یا اشتقاقی نیز نپذیرد، کار دشوارتر می‌شود. این پدیده معمولاً هنگامی رخ می‌دهد، که گروهی از واژه‌ها در نقش حرف اضافه، حرف ربط یا قید محض (قیدی که اسم، صفت یا ضمیر نباشد) ظاهر شوند. خوشبختانه شمار موردهای ابهام‌انگیز بسیار محدود است.
- ¹² با توجه به پیشوندها و پسوندها (چه تصریفی و چه اشتقاقی) جزو ساختار یک واژه هستند و پیوسته نوشته می‌شوند: واژه‌های مشتق در ترکیب پیوسته نوشته می‌شوند: *rang+in > rangin+kamān > ranginkamān*. همچنین واژه‌های مشتق از یک ترکیب پیوسته نوشته می‌شوند: *asb+savār > asbsavār+i > asbsavāri*.
- ¹³ از آنجا که خواننده شنونده نیست، بایستی او را در تشخیص جایگاه درنگ و تکیه یاری کرد. سرهم‌نویسی ترکیب‌های طولانی نیز برای او چالش ایجاد می‌کند. همچنین ترکیب‌هایی هستند، که تنها بر حسب نیاز موقت ساخته می‌شوند. این ترکیب‌ها کاربرد فراوان ندارند. به همین دلیل شاید خواننده انتظار آنها را نداشته باشد.
- ¹⁴ پس ضمیرهای دارای/مفعولی، فعل‌های اسنادی، حرف ربط "e"، حرف ربط "o"، حرف ندا ("ā") و نشانه‌ی نکره ("ī") با خط تیره نوشته می‌شوند. این کار به بازشناسی جایگاه تکیه کمک می‌کند: "*zamān-e*" در برابر "*zamāne*" یا "*ketāb-i*" در برابر "*ketābi*".
- ¹⁵ به دلیل ویژگی‌های خاص عددها در این بخش یکجا به آنها پرداخته می‌شود.
- ¹⁶ اسم خاص نام شخص، جانور، فراورده، اثر، شیء، شرکت، سازمان، مکان جغرافیایی و رویداد یگانه را در بر می‌گیرد.